

سومبارت، وبر و سرمایه‌داری جدید

عبدالله شهبازی

ورنر سومبارت (۱۸۶۳-۱۹۴۱)، اقتصاددان و جامعه‌شناس برجسته آلمان و استاد دانشگاه برلین، از مهم‌ترین اندیشمندان اروپایی است که به‌طور تخصصی به پدیده زرسالاری یهودی پرداخته‌اند.

سومبارت به یک خانواده مرفه زمین‌دار تعلق داشت. او در جوانی به مارکسیسم گروید و زمانی که جلد سوم کاپیتال مارکس برای نخستین بار منتشر شد (۱۸۹۴) شرحی بر آن نوشت که مورد ستایش انگلس قرار گرفت. دو سال بعد، سومبارت کتاب *سوسیالیسم و جنبش اجتماعی* را نوشت که در فاصله قریب به سه دهه به چاپ دهم رسید و به ۲۴ زبان ترجمه شد. چاپ دهم این اثر (۱۹۲۴) در دو جلد و حدود یک‌هزار صفحه است. در این زمان سومبارت گرایش‌های غیر مارکسیستی داشت و در اثر تجدیدنظر شده فوق دیگر از دیدگاه‌های مارکسیستی نشانی نیست.^۱

1. *International Encyclopedia of the Social Sciences*, vol. 15, pp. 57- 59.

سومبارت را متعلق به مکتب فکری خاصی نمی‌دانند. او تحلیل‌گری مستقل است که بارها نظراتش را مورد تجدیدنظر و بازنویسی قرار داد. سومبارت از نظر شمارگان کتاب‌هایش و ترجمه آن به زبان‌های گوناگون در میان اندیشمندان اقتصادی آلمان مقام نخست را داراست. علاوه بر کتاب فوق، مهم‌ترین آثار وی به شرح زیر است: سرمایه‌داری جدید (۱۹۰۳)، *یهودیان و حیات اقتصادی* (۱۹۱۱)، *تجمل و سرمایه‌داری* (۱۹۱۳)، *جوهر سرمایه‌داری؛ پژوهشی در تاریخ و روانشناسی بازرگانان جدید* (۱۹۱۵).

سومبارت و ماکس وبر دوست شخصی بودند و با هم نشریه *آرشیو*^۲ را منتشر می‌کردند که از قطب‌های فکری آلمان آن روز بود. در این زمان میان این دو جدال قلمی مفصلی بر سر نقش یهودیان و پوریتان‌ها در پیدایش تمدن جدید غرب آغاز شد. سومبارت نقش یهودیان را در این فرایند برجسته می‌یافت و تأکید وبر بر جایگاه پوریتان‌ها بود. حاصل این جدال دو اثر نامدار است: *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری* ماکس وبر، که در سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۵ تدوین شد، و *یهودیان و حیات اقتصادی سومبارت*. کتاب سومبارت در واقع ردیه‌ای است بر آراء وبر. ماکس وبر در چاپ سال ۱۹۲۰ کتاب خود به انتقادات سومبارت پاسخ داد و در آثار بعدی خویش نیز، *جامعه‌شناسی دین و تاریخ عمومی اقتصاد*، به نقد نظریه سومبارت پرداخت. کتاب سومبارت اثری است کلاسیک که به زبان‌های مختلف ترجمه شده، به چاپ‌های متعدد رسیده و بحث‌های فراوان را برانگیخته است. این کتاب در سال ۱۹۱۳ با عنوان *یهودیان و سرمایه‌داری جدید* به زبان انگلیسی ترجمه شد و به این نام شهرت یافت. متن مورد استفاده من در این بررسی، چاپ جدید انگلیسی کتاب فوق با مقدمه ساموئل کلاوزنر است.^۳

2. *Archiv für Sozialwissenschaft und Sozialpolitik*

۳. به متن کامل کتاب سومبارت در آدرس‌های اینترنتی زیر می‌توان دست یافت:

سومبارت یهودیت را یکی از عوامل متعددی می‌داند که سرمایه‌داری جدید را پدید ساخت نه تنها عامل. به‌زعم او برخی از این عوامل عبارتند از کشف قاره آمریکا و معادن نقره آن، ویژگی‌های قومی و نژادی ملت‌های اروپایی و تطور آن، و ابداعات و اختراعات فنی. از ید سومبارت، کاپیتالیسم بدون هر یک از این عوامل، و نیز بدون یهودیان، تحقق نمی‌یافت؛ سرمایه‌داری برای زایش خود به ترکیب این عوامل مادی و معنوی نیازمند بود. او در مقدمه کتابش می‌نویسد:

در یک مطالعه تخصصی نظیر این کتاب، تأثیر یهودیان ممکن است بیش از آنچه در واقع بوده به‌نظر آید. این در ذات چنین مطالعاتی است که به پدیده تنها از یک زاویه نگریسته می‌شود. اگر ما درباره تأثیر ابداعات فنی در حیات اقتصادی جدید نیز تحقیق می‌کردیم مسئله همین‌گونه جلوه می‌کرد. در یک تک‌نگاری، نقش موضوع بیش از جایگاه واقعی آن به‌نظر می‌رسد... بدون تردید، هزار و یک عامل به پیدایش نظام اقتصادی دوران ما یاری رسانیده است. بدون کشف آمریکا و ذخایر نقره آن، بدون ابداعات مکانیکی دانش فنی، بدون مختصات قومی ملت‌های جدید اروپا و تحولات آن پیدایش کاپیتالیسم جدید همانقدر غیرممکن بود که بدون یهودیان. در تاریخ طولانی [ظهور] سرمایه‌داری تأثیر یهودیان [تنها] یک فصل است.^۴

←

<http://socserv2.socsci.mcmaster.ca/~econ/ugcm/3ll3/sombart/jews.pdf>

<http://www.socsci.mcmaster.ca/~econ/ugcm/3ll3/sombart/jews.pdf>

4. Werner Sombart, *The Jews and Modern Capitalism*, [New Edition, introduction by Samuel Z. Klausner,] London: Transaction Books, 1982, p. 6.

سومبارت یهودیان را قومی کهن می‌داند که چون مصریان و بابلیان و آشوریان و فنیقی‌ها در خاور نزدیک ریشه دارند با این تفاوت که یهودیان به دلیل انسجام گروهی و از طریق ازدواج درونی ویژگی‌های نخستین نژادی خود را حفظ کرده‌اند. سومبارت تأثیر اقوام بیگانه را در آمیختگی نژادی یهودیان ناچیز می‌داند و پدیده خزران را کم‌اهمیت می‌شمرد. به‌زعم او، خصایص انسان‌شناختی یهودیان، اعم از جسمانی و روانی - فرهنگی، از گذشته دور تا به امروز بی‌تغییر مانده است. دلیل سومبارت بر تسلسل و تداوم نژاد یهود، مقایسه <خصلت‌های یهودی معاصر> با اسلاف او در اعصار گذشته است؛ عدم تغییر این خصلت‌ها بیانگر حفظ و تداوم <خلوص نژادی> یهودیان است. به‌نظر سومبارت، <لجاجت، قدرت اراده و توان شگرف در انعطاف‌پذیری از جمله این خصایص اند. تمایل به مهاجرت و جابجایی جمعیتی و ایجاد مراکز بین‌المللی تجاری از طریق این مهاجرت‌ها نیز از خصیصه‌های اصلی روانی این قوم است. به‌نوشته سومبارت، <اندیشه تبعید محور اصلی ایدئولوژی یهود است.> سومبارت اجباری بودن این <تبعیدها> را نمی‌پذیرد و می‌نویسد مهاجرت اولیه از فلسطین نیز به‌طور عمده داوطلبانه بود. به‌زعم سومبارت، کوچ‌روی و تمایل به مهاجرت در ذات روان فرهنگی قوم یهود نهفته است. این خصایص یهودیان یک روانشناسی تمام و کمال و منحصر به فرد قومی را می‌سازد. سومبارت بحث مفصلی در این زمینه ارائه می‌دهد و چنین نتیجه می‌گیرد: به تصاویر یهودیان در نقوش باستانی توجه کنید <آنگاه قانع خواهید شد که در طول قریب به سه هزار سال نوع چهره یهودی تغییر اندکی کرده است.>^۵

سومبارت مهم‌ترین عامل در حفظ و تداوم این خصایص را سرشت فرقه‌ای - دینی یهودیان می‌داند. به‌زعم سومبارت، یهودیان <دینی‌ترین> جامعه بشری‌اند. این تقید دینی به ایشان انسجام فرقه‌ای منحصر به فرد

5. ibid, pp. 284-322.

بخشیده و ساختار درونی و سلسله مراتب (هیرارشی) آنان را استوار و بی‌تزلزل ساخته است. «سرشت فرقه‌ای» عامل اساسی حفظ «خلوص نژادی» یهودیان در این دوران طولانی بوده است.

یهودیان عشقی وافر به انجام مناسک دینی و قرائت تلمود دارند. طبق آموزش دینی آنان، موفقیت در کسب ثروت دنیوی به معنای آن است که فرد مقبول خداوند است و وظیفه یهودی است که ثروت‌های مادی و دنیوی به دست آورد و آن را در راه خواست دین خود خرج کند. سومبارت می‌نویسد:

در میان یهودیان ثروتمندترین آنان غالباً عالم‌ترین آنان در مسایل تلمودی‌اند. آیا در میان آنان علم تلمود شأهراهی به سوی افتخار، ثروت و موفقیت نیست؟ عالم‌ترین فقهای یهودی زیرک‌ترین سرمایه‌گذاران، پزشکان، جواهرفروشان و تجارند.

او برای نمونه، به یهودیان درباری اسپانیای مسیحی اشاره می‌کند و در دوران معاصرش به آمشل روچیلد (پسر بزرگ مایر آمشل روچیلد بنیانگذار خاندان روچیلد). بارون آمشل مایر روچیلد فرانکفورت اکیداً طبق قوانین دینی یهود زندگی می‌کرد و هیچگاه بر سر میز «بیگانگان» (غیر یهودیان) حتی لقمه‌ای نیز غذا نمی‌خورد حتی اگر این «بیگانه» امپراتور پروس بود. این بارون یهودی را در زمان حیاتش زاهدترین یهودی شهر فرانکفورت می‌شناختند و چنان عبادت می‌کرد که به شدت نحیف و بیمار شد. او در میان روچیلدها استثنا نبود. ویلهلم کارل نیز چنین زندگی داشت. او آخرین روچیلد شاخه فرانکفورت است؛ در سال ۱۹۰۱ درگذشت و معاصر سومبارت بود. این یهودی زاهد هیچگاه به کاغذی که پیش‌تر به وسیله «بیگانگان» لمس شده بود دست نمی‌زد و تنها اسکناس‌های کاملاً نو را لمس می‌کرد.^۶

6. *ibid*, pp. 195-196.

سومبارت جدایی یهودیان از ملت‌هایی که در میان آنان زندگی می‌کنند را ناشی از "احساس برگزیدگی" ایشان می‌داند و می‌نویسد: آنان از جوامع میزبان خود مجزا می‌زیند به دلیل احساس برتری که نسبت به دیگران دارند و خود را "قوم برگزیده" می‌دانند. نفرت آنان از دیگران، از دوران روم باستان نمایان است. قوانین یهودی بر دو گونه است: بخشی از این قوانین رابطه یهودی را با "برادرانش" تنظیم می‌کند و بخشی روابط با "بیگانگان" را. در این اصول و قوانین رابطه با "بیگانه" تنها بر مبنای ملاحظات شخصی یهودی تنظیم می‌شود و یهودی برای تأمین منافع خود شرعاً مجاز است "بیگانه" را فریب دهد و با ترفند بر او چیرگی یابد. به‌نوشته سومبارت، یهودیان پرچمدار دفاع از فردگرایی (اندیویدوالیسم) هستند زیرا با هر نظمی، جز نظم خود، مخالف‌اند؛ و دقیقاً به این دلیل است که آنان از "تجارت آزاد" و "مصرف آزاد" حمایت می‌کنند.

سومبارت معتقد است که روان یهودیان کاملاً یک بعدی است؛ توانی شگرف در اخذ و ترکیب اندیشه دیگران دارد ولی خود عاجز از آفرینش است. او برای نمونه از یک جوان یهودی یاد می‌کند. می‌نویسد: زمانی که در شهر برسلاو تدریس می‌کردم، یک جوان یهودی از منتهی‌الیه شرقی سیبری به این شهر آمد. او در نخستین روز ورودش یکی از آثار مارکس را از من قرض کرد، خواند، نزد آمد، درباره مطالب آن بحث نمود و کتابی دیگر به امانت گرفت. این روش چند ماه ادامه یافت و سپس به روستای محل زندگی‌اش بازگشت. این جوان در این مدت هیچ تأثیری از محیط پیرامونش نگرفت، با هیچ کس آشنا نشد و هیچگاه به گردش نرفت. زندگی در برسلاو در کنار او، در دنیایی دیگر، جریان داشت و او مطلقاً به آن بی‌اعتنا بود. ولی او کاملاً اندیشه‌های مارکس را فراگرفت.

سومبارت می‌افزاید: «آیا این یک نمونه نوعی از یهودیان است؟ من تصور می‌کنم چنین است و شما هر روزه می‌توانید آن را ببینید.»^۷

به‌زعم سومبارت، اخلاق دینی یهود مستلزم ایجاد رابطه‌ای «واقعی» و «معتدل» و در یک کلام «معقول» با دنیای پیرامون است و بدینسان خردگرایی^۸ را در بنیاد کردار اقتصادی و اجتماعی یهودی قرار می‌دهد و «صرفه‌جویی» و «اعتدال» در زندگی فردی و خانوادگی را در بنیان رفتار شخصی‌اش. لذاست که یهودیان «کم‌خرج‌ترین» جامعه بشری‌اند. سومبارت در پژوهش خود این «خردگرایی دینی» را در بنیاد رفتار جنسی یهودیان نیز می‌داند. به‌زعم او، آئین یهود «آمیزش جنسی را ممنوع نکرده، آن را عقلایی کرده است.» بدینسان، سومبارت به نقش **عامل جنسی** در تداوم و تسلسل یهودیان و نیز در موفقیت اقتصادی و اجتماعی آنان بهای فراوان می‌دهد. به‌نظر او، تقید شدید جنسی یهودیان، که در آموزش‌های دینی ایشان ریشه دارد، ثبات کانون خانوادگی را سبب می‌شود. او بر اساس آمار نشان می‌دهد که طلاق در میان یهودیان نادر است. لذا، معتقد است یهودیان قومی‌اند با انرژی جنسی فراوان که به دستور دین خود مجبور به حبس کردن این انرژی‌اند و در نتیجه تکاپوی اقتصادی راهی است برای رها کردن این انرژی متراکم.^۹

وبر در کتاب *جامعه‌شناسی دین* (۱۹۲۲) این نظر سومبارت را، که خویش‌تنداری جنسی را در منشاء اخلاق سرمایه‌داری یهودیان می‌بیند، رد می‌کند. او می‌نویسد چنین مقررات اخلاقی در برخی از ادیان دیگر نیز وجود دارد و در میان مسلمانان نیز مجری است. معه‌ذا، وبر در این اصل با سومبارت موافق است که کردار اقتصادی یهودیان تابع ایستارهای

7. *ibid*, p. 262.

8. Rationalism

9. *ibid*, pp. 230-238.

ارزشی دوگانه است: ایستارهای رفتار با "برادران" و ایستارهای رفتار با "بیگانگان".^{۱۰}

سومبارت نقش مؤثر یهودیان را در پیدایش تمدن جدید سرمایه‌داری غرب مولود عوامل زیر می‌داند:

۱- پراکندگی آنان در مناطق وسیعی از جهان در عین حفظ پیوند و انسجام فرقه‌ای‌شان؛

۲- موقعیت آنان در کشورهای اروپایی به عنوان "بیگانه" و "نیمه شهروند"؛

۳- نقدینگی انباشت شده در دست آنان.

پراکندگی یهودیان سبب شد تا آنان خصلتی بین‌المللی بیابند و این امر نوعی اعتبار مالی جهانی برایشان فراهم آورد. او برای نمونه به خاندان لوپز اشاره می‌کند که در بندر بوردو استقرار داشت و شاخه‌های آن در اسپانیا، انگلستان، آنتورپ و تولوس پراکنده بود.

وضع نیمه شهروندی سبب شد تا آنان به صورت کاست‌هایی جدا از جوامع میزبان خود درآیند و این امر به آنان انسجام سازمانی و جمعی بخشید.

سومبارت انباشت نقدینگی هنگامت در دست یهودیان در سرآغاز دوران سرمایه‌داری جدید را به دلیل چنگ‌اندازی ایشان بر دو نوع کالا می‌داند: اوئل، معادن تازه کشف شده طلا و نقره در آمریکای مرکزی و جنوبی؛ دوّم، پنبه و نیل که مواد اصلی صنایع نساجی بود.

به‌نوشته سومبارت، یکی از مهم‌ترین عوامل در رشد حیات جدید اقتصادی، انتقال مرکز تکاپوی اقتصادی از **ملت‌های اروپای جنوبی** (ایتالیایی‌ها، اسپانیایی‌ها، پرتغالی‌ها و برخی از آلمانی‌های جنوبی) به

10. Max Weber, *The Sociology of Religion*, Boston: Beacon Press, 1964, pp. 247-248.

ملت‌های شمالی - غربی اروپا (هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و آلمانی‌های شمالی) بود.

حادثه دوران‌ساز در این فرایند، شکوفایی ناگهانی اقتصاد هلند بود و این انگیزشی شد برای توسعه امکانات اقتصادی در فرانسه و انگلیس.^{۱۱}

و در جای دیگر سومبارت می‌نویسد:

در تمامی سده هفدهم، همه نظریه‌پردازی‌های فلسفی و سیاست عملی در میان ملت‌های اروپای شمالی - غربی تنها یک هدف داشت: تقلید از هلند در تجارت، در صنعت و در تصرف مستعمرات.^{۱۲}

سومبارت مهاجرت یهودیان از اسپانیا و پرتغال را علت اصلی انتقال کانون تکاپوی اقتصادی از ملت‌های جنوبی به ملت‌های شمالی - غربی اروپا می‌داند؛ مهاجرتی که با سفر کلمب به قاره آمریکا و "کشف" جزایر هند شرقی به وسیله واسکو داگاما توأم بود. نخستین گروه مارانوهای^{۱۳} پرتغالی در اواخر سده شانزدهم در آمستردام مستقر شدند و به سرعت بر جمعیت آنان افزوده شد. بدینسان، در آغاز سده هیجدهم آمستردام به کانون اصلی یهودیان اروپا بدل شد تا بدانجا که یهودیان این شهر را اورشلیم جدید می‌نامیدند.

به دلیل این مهاجرت، در سده‌های شانزدهم و هفدهم یهودیان به نیروی محرکه اقتصاد بنادر جنوبی اروپا بدل شدند. در سال ۱۵۵۰ سنای

11. Sombart, *ibid*, p. 11.

12. *ibid*, p. 11.

13. Marranos

یهودیان مخفی شبیه جزیره ایبری که به‌طور عمده در سده‌های شانزدهم و هفدهم در سراسر اروپا و عثمانی و شمال آفریقا پراکنده شدند.

و نیز تصمیم به اخراج مارانوها از این بندر گرفت. تجار مسیحی و نیز به شدت اعتراض کردند و اعلام نمودند که آنان نیز به همراه مارانوها شهر را ترک خواهند کرد زیرا این امر به معنای ورشکستگی آنهاست. در این زمان، مارانوها تجارت پشم و ابریشم و پارچه با اسپانیا و تجارت شکر، فلفل و سنگ‌های قیمتی و مروارید با هند را در انحصار خود داشتند. بخش مهمی از صادرات و نیز به‌وسیله یهودیان انجام می‌گرفت و صرافان اصلی شهر یهودی بودند. از سده شانزدهم میلادی تجارت کالاهای لوکس اروپا تماماً در انحصار یهودیان بود: جواهرات و سنگ‌های قیمتی، مروارید و ابریشم، طلا و نقره اروپا تماماً به‌وسیله یهودیان تأمین می‌شد. مروارید و سنگ‌های قیمتی از برزیل و ابریشم از شرق می‌آمد. در سده هفدهم در تمامی شهرهای مهم هلند، فرانسه و انگلستان چنین وضعی پدید شد و یهودیان شریان تجارت و امور مالی را به دست گرفتند. در این زمان تقریباً تمامی تجارت بندر هامبورگ با اسپانیا و پرتغال و هلند به دست یهودیان بود و نیمی از کشتی‌هایی که بندر هامبورگ را ترک می‌کردند به این سه کشور می‌رفتند. در سده هیجدهم تجارت با لوانت^{۱۴} (سرزمین‌های عثمانی در شرق مدیترانه) مهم‌ترین شاخه تجارت فرانسه بود و تقریباً به‌طور کامل در دست یهودیان قرار داشت. خریداران، فروشندگان، واسطه‌ها، صرافان و کارگزاران تجارت با عثمانی همه یهودی بودند. بخش عمده تجارت عثمانی با اروپا در انحصار یهودیان بود.^{۱۵}

سومبارت در تعریف «یهودی» با معضلی عجیب مواجه شد. >گفته می‌شود یهودیان اعضای جوامعی هستند که به دین یهود ایمان دارند.< او این تعریف را نارسا یافت زیرا آن کسانی را که از جوامع دینی خود کناره گرفته‌اند ولی هنوز، خود و فرزندان و اعقاب‌شان، «یهودی»

14. Levant

15. ibid, pp. 13-24.

مانده‌اند در برنمی‌گرفت. «ما بارها و بارها با افرادی مواجه می‌شویم که مسیحی خوانده می‌شوند ولی در واقع یهودی‌اند».^{۱۶}

سومبارت نخستین اندیشمند سرشناس سیاسی و اقتصاددان اروپایی است که به‌طور جدی به پدیده یهودیان مخفی^{۱۷} توجه کرد، آنان را به عنوان عاملی مهم در تحلیل اقتصادی به کار گرفت و نقش‌شان را در فرایند تکوین تمدن جدید سرمایه‌داری کاوید. به‌زعم سومبارت، این «مسیحیان جدید»^{۱۸} پدیده ویژه‌ای هستند که تمامی اعتقادات و خصال یهودی را در خود محفوظ داشته‌اند و به سان یک فرقه بسته عمل می‌کنند. سومبارت برای نمونه به نوکیشان جنوب فرانسه اشاره می‌کند که در سده‌های پانزدهم و شانزدهم از اسپانیا و پرتغال آمدند. آنان در همه مراسم کاتولیکی شرکت می‌کردند. تولد، ازدواج و مرگ‌شان در دفاتر کلیساها ثبت می‌شد و برخی حتی کشیش می‌شدند. آنان در تحولات بعدی جامعه فرانسه نقش مهمی ایفا کردند. این یهودیان مخفی در استتار منشاء خود چنان مهارت داشتند که حتی متخصصان تاریخ یهود هنوز تردید دارند که آیا فلان خانواده یهودی‌تبار است یا نه. در مواردی که آنان نام‌های مسیحی برگزیده‌اند دشواری فزون‌تر می‌شود. به‌نوشته سومبارت، در میان مهاجران پروتستان سده هفدهم تعداد زیادی از این یهودیان مخفی را می‌توان یافت.

تا پایان دهه ۱۸۲۰ نیمی از یهودیان برلین به مسیحیت گرویده بودند. تعداد یهودیان مسیحی شده برلین تا زمان نگارش کتاب سومبارت ۱۲۰ هزار نفر گزارش شده است. در وین نیز سالیانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ یهودی به مسیحیت می‌گرویدند. در دهه ۱۸۴۰ تعداد یهودیان مخفی در شهرهای اروپا زیاد بود. طبق معتدل‌ترین برآوردها، در وین حداقل ۱۲

16. *ibid*, p. 7.

17. Anusim, Crypto Jews

18. New Christians

هزار یهودی مخفی وجود داشت؛ تمامی تجارت منسوجات در دست آنها بود و شهر پر از مغازه‌های یهودی بود. ولی در فهرست رسمی تجار وین در این زمان تنها نام ۶۳ یهودی دیده می‌شد.

سومبارت برای نگارش اثر خود کار پژوهشی مفصلی، بر اساس منابع یهودی، انجام داد و از نقش عظیم یهودیان و مسیحیان جدید در پیدایش "دنیای جدید" (ایالات متحده آمریکا) به حیرت افتاد. به تعبیر سومبارت، این مسیحیان نوکیش به حاملان <روح یهودی> در جامعه مسیحی بدل شدند.^{۱۹}

سومبارت معتقد است که <روح سرمایه‌داری> به وسیله یهودیان به اروپائیان انتقال یافت و سرانجام اروپائیان خود از این روح سرشار و عامل تحقق آن شدند. "کفار"،^{۲۰} ارزش‌های بورژوازی را ناخواسته از یهودیان گرفتند؛ ارزش‌های نوین سرمایه‌داری به وسیله یهودیان به جوامع مسیحی راه یافت و سرانجام تمامی ارزش‌های مسیحی را ریشه‌کن ساخت. سومبارت در بررسی و نقد نظریه ماکس وبر، منکر نقش پوریتان‌ها در پیدایش و تکوین سرمایه‌داری جدید نیست ولی آن را زائیده یهودیت می‌داند. به تعبیر سومبارت، <یهودیت مادر سرمایه‌داری است و پوریتانیسم روح کمال یافته آن.> و در جای دیگر به جدّ می‌نویسد: <پوریتانیسم همان یهودیت است.>

سومبارت در بررسی پیوند یهودیان و پوریتان‌ها به جایگاه برجسته الیگارشی یهودی در انگلستان سده هفدهم اشاره می‌کند و تعلق رهبران انقلاب پوریتانی به عهد عتیق. او می‌نویسد اندیشه‌های دینی اولیور کرومول بر عهد عتیق مبتنی بود؛ او سخت در آرزوی ایجاد سازشی میان عهدین بود و تشکیل اتحادیه‌ای از <مردم برگزیده خداوند> (یهودیان) و

19. ibid, pp. 7-9.

20. gentiles

<انگلیس پوریتان>. ناتانیل هولمز،^{۲۱} واعظ پوریتان، هیچ کاری را شایسته‌تر از خدمتگزاری خاضعانه به <مردم برگزیده خداوند> (یهودیان) نمی‌دانست. سومبارت می‌نویسد در زمان انقلاب پوریتانی همه چیز در انگلستان یهودی شد و اگر در پارلمان نیز به زبان عبری سخن می‌گفتند دیگر تردیدی نمی‌ماند که اینجا همان فلسطین است!

اعضای فرقه لولرها^{۲۲} خود را "یهودی" می‌خواندند و خواستار آن بودند که تورات به قانون جامعه انگلیس بدل شود. کارگزاران کرومول به او پیشنهاد کردند که در شورای مشاوران خصوصی‌اش هفتاد عضو بگمارد به تعداد اعضای شورای سنهدرین. در سال ۱۶۵۳ ژنرال توماس هاریسون،^{۲۳} از فرقه آناپتیست، و حزیش از پارلمان انگلیس خواستار اجرای قوانین تورات شدند. او از پارلمان درخواست کرد که به جای روز یکشنبه روز شنبه به تعطیل عمومی بدل شود. شنبه عید یهودیان است. و سرانجام، بر روی پرچم پوریتان‌ها این عبارت مندرج بود: Lion of Judah (شیر یهودا).^{۲۴}

سومبارت زرسالاری یهودی را از دولت اروپایی غیرقابل انفکاک می‌داند؛ در هر جای اروپا که دولتی وجود داشت یهودیان درباری منبع تغذیه مالی آن بودند. در اینجا است که او رابطه دولت مدرن و یهودیت را مشابه رابطه فائوست و مفیستوفلس می‌خواند. او می‌نویسد:

زمانی که از دولتمردان و حکمرانان جدید سخن می‌رانیم به سختی می‌توانیم آنان را بدون یهودیان به تصور آوریم؛ درست

21. Nathaniel Holmes

22. Levelers

23. Thomas Harrison

24. ibid, pp. 248-251.

مانند فائوست بدون مفیستوفلس.^{۲۵} حکمرانان و یهودیان دست به دست هم در عصری گام زدند که مورخین آن را "دوران نوین" می‌خوانند.^{۲۶}

به‌نوشته سومبارت، دولت‌های نوین اروپایی بر ارتش متکی بودند و یهودیان در دوران جنگ اسلحه، مهمات و سیورسات این ارتش‌ها را تأمین می‌کردند و از سوی دیگر پول مورد نیاز دولت‌ها را فراهم می‌آوردند. در سراسر سده‌های شانزدهم، هفدهم و هیجدهم یهودیان به عنوان پیمانکار نظامی و پولدارانی که حکمرانان اروپا بر حمایت مالی آنان اتکا داشتند در زمره قدرتمندترین افراد اروپا بودند. نمونه‌ها فراوان است: فردریک اگوستوس، زمانی که در سال ۱۶۹۴ دوک ساکسونی شد، گروه کثیری از زرسالاران یهودی را در پیرامون دربار خود گرد آورد. دانیل آبنسور،^{۲۷} یهودی پرتغالی که در سال ۱۷۱۷ در هامبورگ درگذشت، وزیر مختار لهستان در هامبورگ بود و فردریک اگوستوس، که اینک پادشاه لهستان بود، بدهی‌های هنگفت به او داشت. پیمانکار کل ارتش لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه (۱۶۴۳-۱۷۱۵)، یک یهودی به‌نام **یاکوب ورمز**^{۲۸} بود. در سال ۱۷۱۶ یهودیان استراسبورگ وظایف اطلاعاتی و تدارکاتی ارتش فرانسه را عهده‌دار بودند. در اواخر سلطنت لویی چهاردهم و تمامی دوران لویی پانزدهم (۱۷۱۵-۱۷۷۴)، **ساموئل**

۲۵. در افسانه‌های سده شانزدهم آلمان فردی به‌نام دکتر فائوست (Faust)، یا فائوستوس، در ازای ثروت و قدرت و عمر طولانی، روح خود را به شیطانی به‌نام مفیستوفلس (Mephistophilis) می‌فروشد. از افسانه فائوست روایت‌های مختلفی تدوین شده که معروف‌ترین آن دکتر فائوستوس کریستوفر مارلو (۱۵۹۰)، فائوست گوته (اوایل سده ۱۹) و دکتر فائوستوس توماس مان (۱۹۴۷) است.

26. *ibid*, p. 49.

27. Daniel Abensur

28. Jacob Worms

برنارد^{۲۹} بانکدار شخصی پادشاه فرانسه بود. لویی چهاردهم با این یهودی ثروتمند در باغش قدم می‌زد و با او رابطه نزدیک داشت. یک نویسنده بدبین فرانسوی در آن عصر می‌نویسد: «تنها لطف او [برنارد] حمایت از دولت بود؛ چون طنابی که معدومی را بر سر دار نگاه داشته است.» ساموئل برنارد پول مورد نیاز دولت فرانسه را برای جنگ با اسپانیا تأمین کرد و هزینه استقرار نامزد دربار فرانسه در سلطنت لهستان را متقبل شد. احتمالاً این گفته مارکی دانژو^{۳۰} در یکی از نامه‌هایش اغراق نیست که ساموئل برنارد را «بزرگترین بانکدار اروپا در عصر حاضر» خوانده است. در فرانسه نیز، چون هلند و انگلستان و دانمارک، زرسالاران یهودی در مقیاسی وسیع در توسعه کمپانی هند شرقی فرانسه مشارکت کردند. ولی در واقع در سده نوزدهم بود که آنان بر تمامی شئون اقتصاد فرانسه چنگ انداختند و خاندان‌های مهمی چون روچیلدها، دوپون‌ها،^{۳۱} هلفن‌ها،^{۳۲} کرفبیرها،^{۳۳} گادشوها،^{۳۴} دالمبرها^{۳۵} و غیره پدید شدند. سومبارت می‌افزاید: کاملاً محتمل است که در سده‌های هفدهم و هیجدهم یهودیان زیادی در فرانسه در زمینه امور مالی فعال بوده‌اند ولی به علت پنهان بودن یهودیت‌شان برای ما ناشناخته مانده‌اند.

سومبارت پیوند زرسالاری یهودی و دولت را در ایالات متحده آمریکا سخت استوار می‌یابد. در دوران جنگ‌های داخلی آمریکا حایم سالومون^{۳۶} در کنار مینیس^{۳۷} و کوهن‌ها^{۳۸} در جنورجیا تدارکات ارتش را

-
29. Samuel Bernard
 30. Marquis de Dangeau
 31. Dupont
 32. Helphen
 33. Cerfbeer
 34. Godchaux
 35. Dalembert
 36. Haym Salomon

تأمین می‌کرد. ولی مهم‌ترین یهودی این دوران رابرت موریس^{۳۹} بود که سرمایه مفصلی را در انقلاب آمریکا به کار انداخت. سومبارت می‌افزاید: <ایالات متحده هیچگاه بدون تأمین نیازهای ارتش آن به‌وسیله یهودیان نمی‌توانست به استقلال کامل دست یابد.>^{۴۰}

از نظر ما، مهم‌ترین نقطه تمایز دیدگاه‌های ماکس وبر و ورنر سومبارت، تفاوت نگاه این دو به نقش مستعمرات در پیدایش تمدن جدید غرب است. سومبارت اقتصاد پلانت‌کاری را <منبعی> از نیروی محرکه می‌داند که <موتور سرمایه‌داری را روشن کرد.> و چون یهودیان نقش اصلی را هم در جزایر هند شرقی و هم در جزایر کارائیب داشتند، لذا سهم آنان را در پیدایش سرمایه‌داری جدید اساسی می‌شمرد. او به درستی توسعه‌طلبی ماوراء بحار را در منشاء پیدایش سرمایه‌داری جدید می‌بیند؛ به بررسی نقش یهودیان در آن می‌نشیند، در برخی موارد با نام از یهودیانی که به عنوان مهاجرین جدید مسیحی در قاره آمریکا مستقر شدند یاد می‌کند. سومبارت مستعمرات را منشاء انباشت نخستین سرمایه‌داری اروپا می‌داند و پایگاهی برای توسعه سرمایه‌داری جدید.

سومبارت نقش تجارت جهانی شکر را، که یکی از محصولات اصلی پلانت‌ها بود، در پیدایش سرمایه‌داری و صنعت جدید بسیار مهم می‌بیند. او به عنوان نمونه به گزارش سال ۱۷۰۱ شورای بازرگانی پاریس اشاره می‌کند که در آن به نقش پلانت‌های قاره آمریکا در رشد صنعت کشتیرانی این کشور اشاره شده است. در این گزارش آمده است: <کشتیرانی فرانسه رشد خود را مدیون جزایر تولیدکننده شکر است و

←

37. Minis

38. Cohen

39. Robert Morris

40. ibid, pp. 49-59.

تنها به کمک آن است که نیروی دریایی ما می‌تواند حفظ شود و تقویت گردد.^{۴۱} سومبارت می‌افزاید: «و باید توجه کنیم که تجارت شکر فرانسه تقریباً در انحصار یهودیان، به‌ویژه در انحصار خاندان ثروتمند گرادیس بوردویی، بود.»^{۴۱} نیاز فراوان اروپا به شکر به‌وسیله پلانت‌های برزیل و جزایر هند غربی تأمین می‌شد. سهم یهودیان در این میان چنان بود که در سال ۱۶۷۱ فرماندار جامایکای انگلیس اعلام کرد هیچ یک از اتباع پادشاه انگلیس «به دلیل ذخایر پولی بزرگ و ارتباطات وسیع‌شان» سودمندتر از یهودیان و هلندی‌ها (مارانو‌ها) نیستند.^{۴۲}

وبر، به عکس، نقش اقتصاد پلانتی را در پیدایش سرمایه‌داری جدید اندک می‌داند. استدلال وبر مبتنی بر واقعیت‌ها نیست بلکه تنها یک تحلیل نظری است. از نظر وبر، مناسبات سرمایه‌داری تنها بر بنیاد اقتصاد بازار شکل گرفت و اقتصاد پلانت‌کاری، که مبتنی بر استثمار بردگان بود، چون ربطی به اقتصاد بازار نداشت نمی‌توانست نقشی در پیدایش اقتصاد سرمایه‌داری داشته باشد. سومبارت در پاسخ می‌نویسد که «ثروت تولید شده به‌وسیله بردگان می‌توانست در موضع دیگر به عنوان سرمایه به کار رود و لذا سرمایه‌داری می‌تواند از منشاءهای غیرسرمایه‌داری تغذیه کند.»^{۴۳}

این نظر وبر نمونه برجسته‌ای است که تبدیل تئوری به سدی در راه شناخت عینی را نشان می‌دهد. کاملاً روشن است که انباشت ثروت از مجاری سنتی، چون غارت و برده‌داری، می‌تواند در پایه عملیات نوین سرمایه‌داری قرار گیرد و در عمل چنین نیز بود.

41. *ibid*, p. 37.

42. H. H. Ben-Sasson [ed.], *A History of the Jewish People*, USA: Harvard University Press, 1976, pp. 735-736.

43. Sombart, *ibid*, p. lxxxii.

ورنر سومبارت می‌نویسد: <اولین تجار آمریکا یهودیان بودند و اولین تأسیسات صنعتی در قاره آمریکا به وسیله یهودیان برپا شد.>^{۴۴} چنین است. از سال ۱۵۴۲، در زمان ژان سوّم، پسر مانوئل ثروتمند، مهاجرت مارانوها، اشغال اراضی پهناور برزیل و تأسیس پلانت‌های نیشکر در این سرزمین آغاز شد. به‌نوشته سومبارت، یهودیان صنایع نیشکر خود را از جزیره سن توماس به برزیل منتقل کردند و نخستین مجتمع بزرگ پلانت‌ها و صنایع شکر در قاره آمریکا را بر پا نمودند. سومبارت می‌نویسد این مستعمره در آغاز کاملاً به وسیله یهودیان و مجرمین انباشته شد. سالیانه دو کشتی حامل این دو گروه از پرتغال به برزیل می‌رفت. چنین بود که <یهودیان به سرعت به طبقه مسلط بدل شدند و تعداد قابل توجهی از ثروتمندترین تجار برزیل مسیحیان نوکیش بودند.>^{۴۵} به‌نوشته سومبارت، اولین فرماندار کل برزیل یهودی‌الاصل بود.^{۴۶} منظور سومبارت، ژنرال مانوئل فونسکا^{۴۷} است.

44. *ibid*, pp. 32-33.

45. *ibid*.

46. *ibid*.

47. Manuel Deodoro da Fonseca (1827-1892)

مانوئل فونسکا تحصیلاتش را در آکادمی نظامی به پایان برد و مدتی بعد در رأس محافل نظامی برزیل قرار گرفت. ژنرال فونسکا در سال ۱۸۸۹ پدر دوام، امپراتور برزیل (۱۸۴۰-۱۸۸۹) و نوه ژان ششم پادشاه پرتغال، را برکنار کرد و به عنوان حکمران موقت قدرت را به دست گرفت. از نخستین اقدامات فونسکا پایان دادن به نفوذ رسمی کلیسا در دولت بود. ژنرال مانوئل فونسکا نخستین قانون اساسی جمهوری برزیل (۱۸۹۱) را تهیه کرد و خود به عنوان اولین رئیس‌جمهور در رأس دولت قرار گرفت ولی در اواخر این سال به علت شورش مردم مجبور به استعفا شد. نفوذ خاندان فونسکا در برزیل تداوم یافت. بعدها (۱۹۰۶) هرمس رودریگز فونسکا (۱۸۵۵-۱۹۲۳)، برادرزاده مانوئل، مارشال ارتش برزیل و وزیر جنگ شد. او در سال ۱۹۱۰ در انتخاباتی مخدوش به عنوان رئیس‌جمهور قدرت را به دست گرفت. ولی

سومبارت می نویسد آمریکای شمالی موجودیت خود را مدیون رابطه نزدیک بازرگانی است که از اواخر سده هفدهم با جزایر هند غربی برقرار کرد. او می‌افزاید:

یانکی‌ها به خود می‌بالند که بدون [کمک] یهودیان کامیاب شدند. یک نویسنده آمریکایی، اگر اشتباه نکنم مارک تواین، زمانی علت اینکه گویا یهودیان سهم مهمی در [رشد اقتصادی] ایالات متحده نداشتند را این دانست که آمریکایی‌ها به سان یهودیان تیزند اگر تیزتر نباشند. (اسکاتلندی‌ها نیز درباره خود چنین تصویری دارند.)

سومبارت این ادعا را رد می‌کند و می‌نویسد: «ایالات متحده آمریکا تا مغز استخوان از روح یهودی انباشته است.» و «آمریکا در تمامی ابعادش سرزمین یهودیان است؛ این نتیجه‌ای است که بررسی منابع لاجرم ما را به آن هدایت می‌کند.»^{۴۸}

سومبارت فصل چهارم کتاب خود را به «بنیان‌های مستعمرات امروزی» اختصاص داده است.

از زمانی که اروپائیان در سال ۱۴۹۸ در جزایر هند شرقی (جاوه) پیاده شدند و به قلمرو تمدنی کهنسال تجاوز کردند، یهودیان به پیشاهنگ تجارت اروپا با هند شرقی بدل گردیدند. یهودیان در تمامی مستملکات هلند، در غرب و شرق، مشارکت وسیع داشتند.

گفته می‌شود که یهودیان سهامداران بزرگ کمپانی هند شرقی هلند بودند و ما می‌دانیم که رئیس کمپانی، که نقش اصلی را در

←

وی نیز سرانجام، در سال ۱۹۱۴، به دلیل آشوب‌های شدید ناشی از بحران اقتصادی کشور مجبور به کناره‌گیری شد.

استقرار سلطه هلند بر جاوه داشت، کوئن (کوهن)^{۴۹} نام دارد. به علاوه، نگاهی به تصاویر حکمرانان مستعمرات هلند روشن می‌کند که این کوهن تنها یهودی در میان گردانندگان کمپانی هند شرقی هلند نبود. یهودیان در هیئت مدیره کمپانی نیز حضور داشتند و خلاصه هیچ مستعمره‌ای بدون وجود آنان کامل نمی‌شد.

سومبارت می‌افزاید:

هنوز میزان سهم یهودیان در حیات اقتصادی هند پس از سلطه بریتانیا ناشناخته مانده است. ولی از نقش یهودیان در تأسیس مستعمرات انگلیس در جنوب آفریقا و استرالیا اطلاع کافی داریم. تردیدی نیست که در این مناطق، به‌ویژه در کیپ کلنی، تمامی حیات اقتصادی به یهودیان وابسته است.

به‌نوشته سومبارت، در سال‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ بنجامین نوردون^{۵۰} و سیمون مارکس^{۵۱} به آفریقای جنوبی رفتند و تقریباً تمامی فعالیت‌های صنعتی در کیپ کلنی کار آنها بود. آرون و دانیل دوپاس^{۵۲} انحصار صنعت صید نهنگ را به دست داشتند. جوئل مه‌یرز^{۵۳} صنعت شکار شترمرغ را به دست داشت و لیلینفلد^{۵۴} خریدار نخستین الماس‌هایی بود که از معادن آفریقای جنوبی به دست می‌آمد. همین نقش را یهودیان در سایر مستعمرات انگلیسی جنوب آفریقا داشتند؛ به‌ویژه در ترانسوال که گفته می‌شود امروزه (در زمان انتشار کتاب سومبارت یعنی سال ۱۹۱۱) ۲۵ هزار نفر از ۵۰ هزار یهودی ساکن آفریقای جنوبی در آنجا زندگی

49. Coen, Cohn

50. Benjamin Norden

51. Simon Marx

52. Aaron, Daniel de Pass

53. Joel Myers

54. Lilienfeld

می‌کنند. در استرالیا نیز چنین بود و نخستین تاجر عمده این سرزمین مونت‌فیوره‌ها بودند. لذا، اغراق نیست اگر گفته شود بخش بزرگی از حمل و نقل دریایی مستعمراتی انگلیس برای یک دوره طولانی به دست یهودیان بود.^{۵۵}

نظریه‌پردازی انتزاعی ماکس وبر ادامه دارد. او نقش مستقیم یهودیان را در توسعه سرمایه‌داری محدود می‌بیند زیرا، به‌زعم او، یهودیان سنت‌گرا بودند و نمی‌توانستند با تحول زمانه به پیش روند. وبر با سومبارت موافق است که یهودیان در شاخه‌های زیر نقش مهمی داشتند: تأمین مالی دولت‌ها، سرمایه‌گذاری در تصرف نظامی مستعمرات، ایجاد پلانت‌های بزرگ، تجارت و صرافی. ولی مدعی است که یهودیان در تولید صنعتی، که در بنیاد سرمایه‌داری است، نقش مهمی نداشتند. او می‌نویسد یهودیان «بقایای نمونه‌وار تجار بدوی‌اند».^{۵۶}

سومبارت، در پاسخ به وبر، نمونه‌های فراوانی از مشارکت یهودیان در صنعت جدید به دست می‌دهد. او ابتدا به دشواری شناخت نقش یهودیان در شرکت‌های سهامی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

برای نمونه، چند نفر از مردم [آلمان] می‌دانند که آقای هاگن کلنی،^{۵۷} که بیش از هر کس دیگر در هیئت مدیره کمپانی‌ها عضویت دارد، نام اصلی‌اش لوی است؟

سومبارت بر اساس اطلاعات قابل دستیابی و نام یهودیان شناخته شده نشان می‌دهد که ۲۴/۴ درصد اعضای هیئت مدیره و ۱۳/۳ درصد مدیران عامل کمپانی‌های مختلف آلمان در زمان او، در عرصه‌های

55. *ibid*, pp. 28-29.

56. *ibid*, p. lxxxiii.

57. Hagen of Cologne

گوناگون صنعتی از صنایع نساجی تا ذوب فلز و برق و شیمیایی، یهودی‌اند.^{۵۸}

سومبارت به سهم جدی یهودیان در سرمایه‌داری ایالات متحده آمریکا اشاره می‌کند به‌رغم اینکه در رسانه‌های این کشور در فهرست مولتی میلیونها کمتر نامی از یهودیان مندرج است: تراست ذوب فلز^{۵۹} که در سال ۱۹۰۴ با سرمایه اسمی ۲۰۱ میلیون دلار ایجاد شد مخلوق گوگنهایم‌های یهودی است. در تراست تنباکو،^{۶۰} تراست آسفالت،^{۶۱} تراست تلگراف^{۶۲} و غیره و غیره، همه یهودیان نقش اول را دارند. سومبارت می‌افزاید:

به مجتمع عظیم راه‌آهن هریمن بنگریم. این مجتمع به‌طور عمده بر سرمایه کمپانی کوهن لوئب، مؤسسه نامدار بانکی [یهودی] نیویورک، متکی است.

سومبارت ایالت کالیفرنیا را از کانون‌های اصلی یهودیان می‌داند که از آغاز پیدایش بسیاری از سمت‌های مهم دولتی آن، از قضاوت تا فرمانداری و غیره، در دست یهودیان بوده است. در دوران اکتشاف طلا، یهودیان واسطه میان کالیفرنیا و ایالت‌های شرقی آمریکا و قاره اروپا بودند. عملیات مهم مالی آن زمان به‌وسیله افرادی چون بنجامین داویدسون^{۶۳} (کارگزار روچیلدها)، آلبرت پریست^{۶۴} در رودآیلند، آلبرت

58. *ibid*, pp. 112-114.

59. Smelters' Trust

60. Tobacco Trust

61. Asphalt Trust

62. Telegraph Trust

63. Benjamin Davidson

64. Albert Priest

دایر^{۶۵} در بالتیمور، سه برادر لازارد که مجتمع بانکی بین‌المللی خود را در پاریس، لندن و سانفرانسیسکو داشتند، سلیگمان‌ها، گلازیرها^{۶۶} و ورمسرها^{۶۷} انجام می‌شد.

به‌نوشته سومبارت، بخش اعظم سیستم بانکی آمریکا به دست یهودیان است. او به بانک لندن، پاریس و آمریکا^{۶۸} (متعلق به زیگموند گرینباوم^{۶۹} و ریچارد اتشول^{۷۰})، بانک انگلیس - کالیفرنیا^{۷۱} (متعلق به لیلینتال^{۷۲} و ایگناس اشتینهارت^{۷۳})، بانک نوادا،^{۷۴} کمپانی یونیون تراست،^{۷۵} بانک کشاورزان و بازرگانان لوس آنجلس^{۷۶} و غیره اشاره می‌کند. جان روزنفلد^{۷۷} کنترل معادن زغال سنگ ایالات متحده را به دست دارد. کمپانی تجاری آلاسکا،^{۷۸} که به کمپانی خلیج هودسن^{۷۹} تبدیل شد، کمپانی تجاری شمال آمریکا^{۸۰} و غیره همه به یهودیان تعلق دارد. یهودیان شاخه‌های مهم اقتصاد ایالات متحده آمریکا - تجارت گندم، تنباکو، پنبه و

-
65. Albert Dyer
 66. Glazier
 67. Wormser
 68. London, Paris and American Bank
 69. Sigmund Greenbaum
 70. Richard Atshul
 71. Anglo- Californian Bank
 72. N. Lilienthal
 73. Ignatz Steinhart
 74. Nevada Bank
 75. Union Trust Company
 76. Farmers' and Merchants' Bank of Los Angeles
 77. John Rosenfeld
 78. Alaska Commercial Company
 79. Hudson Bay Company
 80. North American Commercial Company

غیره- را در انحصار خود دارند. سومبارت می‌افزاید: توجه کنیم که هم اکنون (۱۹۱۱) تنها در نیویورک بیش از یک میلیون نفر یهودی زندگی می‌کنند که بسیاری از آنان هنوز وارد چرخه سرمایه‌داری نشده‌اند.^{۸۱}

81. *ibid*, pp. 39-41.